

توقیفی یا اجتهادی بودن «رسم الخط قرآن کریم» در بوتۀ نقد

احمد زرنگار*

استادیار معارف اسلامی، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران

سیده زینب حسینی

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی رفیعه المصطفی (ع)، تهران، ایران

روح الله محمدعلی نژاد عمران

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹)

چکیده

تحلیل و بررسی رسم الخط قرآن کریم از جمله مباحثی است که همواره از نظرگاه‌های مختلف مورد توجه اندیشمندان، قرآن‌پژوهان و دانشمندان علوم اسلامی بوده است زیرا از صدر اسلام تاکنون مسلمین بر صیانت و حفظ قرآن کریم، کلمات و حتی حروف آن اهتمام و حساسیت داشته و آن را امری واجب و وظیفه‌ای خطیر برای خود بر شمرده‌اند در این میان بحث در خصوص اعتقاد به توقیفی یا اجتهادی بودن رسم المصحف قرآن یکی از مسائلی مهم در حوزه موضوعات مرتبط با رسم الخط قرآن است. قائلین به توقیفی بودن رسم المصحف، هرگونه تغییری در نحوه نگارش مصاحف قرآنی را غیر مجاز و به مثابه تحریف در الفاظ قرآن می‌دانند و برای این منظور به بیان ادله استناد می‌جویند. در مقابل، نظریه اجتهادی بودن رسم الخط قرآنی مطرح است که به منظور تسهیل در امر قرائت غیر عرب‌زبان‌ها و به‌ویژه برای نوآموزان، تغییر در رسم المصحف را جایز می‌دانند و نگارش قرآن براساس رسم قیاسی (رسم الاملاء) را پیشنهاد می‌کنند با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش برآن است تا پس از بیان و بررسی آراء قائلین به رسم المصحف و رسم الاملاء و بررسی چگونگی مواجهه این دو نظر با یکدیگر، با روشی توصیفی-تحلیلی به کشف مبانی و معیارهای آراء مطرح شده پیرامون توقیفی بودن و اجتهادی بودن رسم الخط قرآنی بپردازد همچنین از مهمترین نتایج این پژوهش می‌توان به عدم حجیت توقیفی بودن رسم مصحف و جواز تبعیت از قیاس در نگارش قرآن اشاره کرد که ضمن تحلیل تفاوت‌های موجود در رسم المصحف و رسم الاملاء متداول و تبیین نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها، رسم قیاسی را قول راجح می‌داند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، رسم المصحف، رسم قیاسی، توقیفی، تحریف.

* Email: ahmad110zar@gmail.com (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

قرآن کریم در خلال بیست و سه سال، از بعثت تا رحلت پیامبر اکرم(ص) به صورت بخش‌هایی، به رسول گرامی وحی شده‌است و آن حضرت، آیات شریفه را قرائت می‌کردند و تعلیم می‌دادند. در این میان اگرچه اکثر مسلمانان آیات قرآن را حفظ می‌کردند اما برخی نیز آیات را با وسایل و ابزار آن روز می‌نوشتند و نگهداری می‌کردند بنابراین می‌توان گفت که تاریخ کتابت قرآن کریم، با تاریخ نزول تدریجی آن همراه بوده و انجام امر مهم کتابت، تحت نظارت پیامبر اکرم(ص) از همان صدر اسلام آغاز شده و همواره از اهمیت بالایی در میان مسلمانان برخوردار بوده‌است تا جایی که دانش مجزایی برای بررسی تاریخ و چگونگی رسم الخط و نگارش مصحف وضع شده‌است دانش رسم الخط، دانشی است که از دیرباز تاکنون مورد توجه قرآن‌شناسان، دانشمندان ادبیات عرب و قرآن‌پژوهان بوده‌است و در میان شاخه‌های مختلف علوم قرآنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

مهم‌ترین مباحث مطرح شده در حیطه رسم و ضبط قرآن کریم بحث از توقیفی بودن یا اجتهادی بودن رسم الخط مصحف است؛ به این معنا که آیا رسم الخط قرآن مبتنی بر وحی و امری توقیفی است و ما باید در هر دوره‌ای بدون تصرف در نحوه نگارش الفاظ از آن تبعیت کنیم و یا اینکه می‌توان تابع قیاس‌ها و قواعد نحوی و صرفی که در دوره‌های بعدی به وجود آمده‌اند بود به بیان دیگر آیا می‌توان رسم الخط را اجتهادی دانست یا خیر.

اهمیت این موضوع آنگاه به روشنی مشخص می‌گردد قرآن کریم باید با بهترین و شیواترین خط نگارش شود. زیرا کتابت قرآن از جمله مواردی است که نقش مؤثری در جذب هر چه بیشتر برای قرائت شیوا و روان این کتاب آسمانی دارد، به همین دلیل هر چه نگارش از شیوه مطلوب‌تری برخوردار و روانتر باشد، تمایل به قرائت آن نیز افزایش خواهد یافت به همین منظور این پژوهش برآن است تا پس از بیان و بررسی آراء قائلین به رسم المصحف و رسم الاملاء و بررسی چگونگی مواجهه این دو نظر با یکدیگر، با روشی توصیفی-تحلیلی به کشف مبانی و معیارهای آراء مطرح

شده پیرامون توقیفی بودن و اجتهادی بودن رسم الخط قرآنی پردازد و همچنین دیدگاه سومی را نیز به دو دیدگاه قبل اضافه نماید.

اگرچه آثار متعددی اعم از مقالات و کتاب‌ها از جمله: کتاب «المقنع فی رسم مصاحف الامصار» از عثمان بن سعید دانی. در این کتاب به ذکر کسانی که قرآن را در یک مصحف جمع‌آوری نموده و کسانی که آن را نقطه‌گذاری کرده‌اند پرداخته شده است و در فصول جداگانه‌ای به طور مفصل متعرض ذکر رسم عثمانی در مواضع حذف یا اثبات حروف می‌شود. کتاب «رسم المصحف العثماني و أوهام المستشرقين فی قرائات القرآن الکریم» از عبدالفتاح اسماعیل شلبی که به تعریف «رسم» و «مصحف» پرداخته و رسم‌هایی که مطابق با قرائات مختلف است بیان می‌کند. در ادامه به شبهات مستشرقین در رابطه با قرائات می‌پردازد. کتاب «تاریخ قرآن» از آیت‌الله معرفت که در فصلی به جمع و تألیف قرآن و ماجرای یکی کردن مصاحف با رسم یکسان می‌پردازد. کتاب «رسم المصحف» از غانم القدوری که به طور مفصل به تاریخ نگارش عربی پیش از رسم - الخط عثمانی و همچنین تاریخ نگارش و جمع‌آوری قرآن کریم و منابع و مصادر رسم عثمانی پرداخته و تاریخ تکمیل آن را بیان می‌کند و در پایان به رابطه قرائت با رسم الخط و تاریخ قرائات در سه قرن اول و سیر تاریخی قرائات شاذ و ... می‌پردازد. کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» از سید محمدباقر حجتی چاپ شده در سال ۱۳۹۵ که به تاریخ نگارش و جمع‌آوری قرآن و تاریخ مصاحف عثمانی پرداخته است.

همچنین مقاله «نکاتی پیرامون رسم الخط قرآن کریم» از یعقوب جعفری در سال ۱۳۷۸ در مجله کیهان فرهنگی به رشته تحریر در آمده که با بیان موردی چند کلمه در آیات قرآن، اختلافات رسم قیاسی با رسم المصحف را مقایسه می‌کند و به طور ضمنی و البته بدون ارائه دلیل، رسم قیاسی را ترجیح می‌دهد. مقاله دیگر «رسم الخط مصحف عثمانی؛ اسرار، حکمت و مزایای آن: دشواری قرائت مصحف و راه حل آن» از سید محمدباقر حجتی است که در مجله پژوهش دینی پاییز ۱۳۸۷ شماره ۱۷ به چاپ رسیده است. این مقاله دو دیدگاه توقیفی بودن و توقیفی نبودن رسم المصحف را بیان کرده و ضمن رد کردن نظریه توقیفی نبودن، توقیفی بودن رسم المصحف را ثابت می‌کند و

نمونه‌هایی از مخالفت رسم عثمانی با رسم الخط متداول در قرآن را بیان می‌کند. در زمینه رسم-المصحف نگاشته شده است و هر یک، جنبه‌های گوناگونی در رابطه با رسم الخط را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما نوشتار حاضر، بر آن است تا ضمن پرهیز از نگاه‌های گزینشی و جانب‌دارانه به‌ویژه در ارائه ادله طرفین و نقد یک‌به‌یک آنها، پس از تعریف واژگان دخیل در بیان پژوهش، همچون واژگان «رسم» و «ضبط»، نگاه کلی اندیشمندان به مسأله توقیفی بودن یا نبودن رسم الخط قرآن کریم را در سه موضع بررسی نماید و سپس به صورت مختصر به تبیین هر یک پرداخته و دلایل هر طایفه را مورد بررسی قرار دهد و با گزینش موضع برتر، دلایل طوایف دیگر را نقد و رد نموده و در انتها ضمن بیان مصادیقی از اختلافات رسم عثمانی با رسم قیاسی دیدگاه سومی را نیز به دو دیدگاه قبل اضافه نماید.

۲. «رسم» در لغت و اصطلاح

۲-۱. «رسم» در لغت

راء و سین و میم دو اصل دارد: ۱. اثر شیئی ۲. نوعی از راه رفتن (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۳۹۴). که مقصود در اینجا رسم به معنی اثر است و به «رسم» بقیه اثر هم گفته شده (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷: ۲۵۲). «رسم» چیزی است که از آن چیزی به زمین چسبیده باشد (ر.ک؛ ابن منظور، بی تا، ۱۲: ۲۴۱)؛ بیان شده که «رَسَمَ»، «رَسَمَ» هم خوانده شده به معنای «كَتَبَ» یعنی نوشت (ر.ک؛ ازهری هروی، ۲۰۰۱، ۱۱: ۲۴۹). «رسم» با خط، کتابت، زبر، سطر، رقم و رسم مترادف است (ر.ک؛ مارغنی تونسی، بی تا، ۱: ۶۳).

اصل معنای «رسم» همان اثر است و «رسم» هر چیزی اثر آن است و جمع آن رسوم می باشد و شاید استعمال کلمه رسم برای دلالت بر خط قرآن اشاره به این معناست که خط مصحف یک اثر قدیمی است که مسلمانان به حفظ آن علاقه دارند و از همین جا اصطلاحات «مرسوم الخط» و یا «مرسوم خطوط المصاحف» و «رسم» و مشتقات آن پیدا شد (ر.ک؛ قدوری، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

۲-۲. «رسم» در اصطلاح

به تصویر کلمه به حروف هجای آن بنابر تقدیر ابتدای به آن و وقف بر آن «رسم» گفته می‌شود (ر.ک؛ مارغنی تونسسی، بی تا: ۱/۶۳).

«رسم» در اصطلاح به سه قسم تقسیم می‌شود:

الف) رسم قیاسی یا املائی: تصویر لفظ به حروف هجای آن بجز اسماء حروف زمانی که مسمی از آن قصد شود (ر.ک؛ ابن مالک، بی تا، ۳: ۳۱۲). طبق این تعریف در کتابت کلمات، قواعد املائی مراعات می‌شود و کلمات مطابق لفظ نوشته می‌شوند.

ب) رسم عروضی: خطی که براساس آنچه کلمه اثبات کرده و رهاکردن آنچه حذف کرده است اجرا می‌شود، این خط، عروضی است، که در آن تنوین نوشته می‌شود و همزه وصل حذف می‌شود (ر.ک؛ زرکشی، ۱: ۳۷۶، ۱۴۱۰).

ج) رسم اصطلاحی: که به آن رسم عثمانی، رسم توقیفی، رسم المصحف، رسم امام و علم‌الرسم هم گفته می‌شود، به عثمان بن عفان نسبت داده شده است که در زمان خلافت او مصاحف نوشته و به شهرهای مختلف فرستاده شد.

این رسم اصطلاحی علمی است که با آن اختلافات خط مصاحف عثمانیه با اصول رسم قیاسی شناخته می‌شود (ر.ک؛ مارغنی تونسسی، بی تا، ۱: ۶۳).

۳. «ضبط» در لغت و اصطلاح

۳-۱. «ضبط» در لغت

«ضبط» در لغت به معنای اتقان و احکام است (ر.ک؛ عبدالرحمن عک، ۱۴۲۸: ۱۳۲) و گفته

می‌شود که «ضبط» به معنای نهایت حفاظت از چیزی است (ر.ک؛ حماده، ۱۴۲۹، ۱: ۳۷۱).

۲-۳. «ضبط» در اصطلاح

آیت الله معرفت درباره ضبط در اصطلاح چنین می نویسد: « «ضبط» در اصطلاح علوم قرآنی به معنای رعایت و پذیرش قواعد و مقررات، اثرات نگارگری و شیوه نگارش قرآن، که در صدر اسلام متداول بوده، از طرف کسانی است که در زمان های بعد از صدر اسلام، می خواهند قرآن را بنویسند و یا اینکه آن را چاپ کنند، هر چند آن رسم و ضبط، خلاف روش رسم الخط در زمان حال باشد» (معرفت، ۱۳۹۳: ۷۸).

«ضبط» علمی است که در برابر حرکت یا سکون یا مد و ... به حرف عارض می شود، به آن استدلال می شود و مرادف «شکل» است (ر.ک؛ حماده، ۱۴۲۹، ۱: ۳۷۱).

۴. نگاه کلی به آراء اندیشمندان قرآنی پیرامون «توقیفی یا اجتهادی بودن» رسم الخط قرآن

موضوع توقیفی بودن یا نبودن رسم المصحف بین علماء اختلافی است و در این مسأله سه موضع گیری مطرح است:

الف) رسم المصحف، توقیفی بوده و تغییر در آن جایز نیست. مخالفت با آن حرام بوده و باید با این قضیه مانند قضیه ترتیب سوره ها و آیات که تقدم و تأخر آنها جایز نیست برخورد شود. عده کثیری از علمای سلف و خلف بر این عقیده اند.

ب) رسم المصحف توقیفی نیست و تغییر آن بر حسب قواعد رسم الخط جدید مانعی ندارد. از پیروان این روش می توان «ابوبکر باقلانی»، «ابن خلدون»، «صبحی صالح»، «ابن خطیب»، «آیه الله معرفت» و بسیاری از علمای معاصر را نام برد.

ج) کتابت قرآن با رسم الخط جدید مردم بر حسب قواعد خط در هر عصری جایز است با شرط باقی ماندن بر رسم الخط عثمانی و محافظت علماء و خواص از آن؛ به این گونه برای قرآن کریم

دو خط در نظر گرفته شود: یکی برای خواص برطبق رسم المصحف عثمانی و دیگری برای عوام برطبق قواعد رسم قیاسی. «شیخ عزالدین عبدالسلام» و «بدرالدین زرکشی» پیرو این عقیده هستند.

۴-۱. دیدگاه «توقیفی بودن» رسم المصحف

عده‌ای از علماء معتقدند که رسم عثمانی، توقیفی است و مجالی برای عقل درمورد آن نیست و اجتهادات صحابه و دیگران نقشی در آن ندارند. مسلم است که آنها عقیده دارند برای احدی تخلف از رسم المصحف جایز نیست؛ آن‌سان که تخلف از سایر سنن جایز نیست (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۳۸۰). عجب‌ری، اجماع امامان مذاهب چهارگانه را بر وجوب اتباع از رسم المصحف عثمانی نقل کرده است (ر.ک؛ مارغنی تونسلی، بی تا، ۱: ۶۴).

«اشهب» می‌گوید: «از مالک سوال شد: آیا مصحف بر طبق آن حروفی که مردم به وجود می‌آورند نوشته می‌شود؟ مالک گفت: نه. بلکه برطبق آنچه کاتبان اولیه نوشتند». این شیوه در بین علمای امت مخالفی ندارد» (دانی، بی تا: ۱۹). «مخالفت با مصحف عثمان در واو یا یاء یا الف یا ... حرام است» (مقدسی، بی تا، ۲: ۲۸۳).

«بیهقی» می‌گوید: «هرکس قرآن را می‌نویسد سزاوار است حروفی که در مصاحف عثمانی نوشته شده را رعایت کند و با آنها مخالفت نکند و چیزی از آنها را تغییر ندهد؛ زیرا ایشان علم بیشتر و قلب و زبان صادق‌تری داشتند و از ما امانت‌دارتر بودند. پس شایسته نیست که گمان کنیم ایشان را درک می‌کنیم» (بیهقی، ۴، ۱۴۲۳: ۱۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۴۰۳).

۴-۱-۱. دلایل توقیفی بودن رسم المصحف

عالمانی که معتقد به توقیفی بودن رسم المصحف هستند، دلایل زیر را اقامه کرده‌اند:

۴-۱-۱-۱. مسأله «حفظ» در قرآن کریم

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود» (حجر/۹). این خبر خدا واجب است که صادق باشد و محال است که کذب باشد. مخصوصاً که خدای تعالی این خبر از حفظ را سه بار هم تأکید کرده است با جمله اسمیه و آن و لام تأکید. خداوند می‌داند که حافظان قرآن در مواضع خاصی رحمت و نعمت و سنت را با تاء خواهند خواند نه با هاء. و می‌داند که کاتبان وحی و قراء صحابه و قراء امت پیامبر (ص) در آیه (نساء/۱۴۶) بر «یوت» وقف خواهند کرد. همچنین بر «سندع» در آیه ۸ سوره علق و «یمح» در آیه ۲۴ سوره شوری و «یدع» در آیه ۱۱ سوره اسراء وقف خواهند کرد. پس اگر رسم توقیفی نباشد، که روح الامین به امر خدا آن را به نبی تعلیم داده باشد، خبر خدای تعالی کاذب می‌شود که محال است. چون حفظ کردن ذکر از جانب خدا اعم از حفظ سوره و آیه و جمله و کلمه و حرف است.

اگر رسم، غیرتوقیفی باشد به این صورت که صحابه به آن شکل که برایشان آسان است آن را بنویسند، لازم است که خدا کلمات قبل را (یوت، یدع، سندع، یمح و...) با یاء و واو نازل کند و کلمات (رحمت، نعمت، سنت و...) را در مواضع مخصوص با هاء (رحمه، نعمه، سنه و...) نازل کرده باشد. سپس صحابه - به خاطر عدم اطلاعشان از خط کنونی - آن کلمات را با حذف یاء و واو و تاء نوشتند و امت پیامبر (ص) در این چهارده قرن از آنها پیروی کردند. و این امت از زمان پیامبر تا کنون بر حذف حروف متعددی از قرآن و تبدیل حروفی به حروف دیگر (مثل تاء به جای یاء) اجماع کردند که در شأن خدا چنین تبدیلی نیست. پس اگر چنین باشد، خبر خدای تعالی کذب است و چون کذب خبر خدا باطل است بودن رسم این کلمات و نظایر آن از جانب صحابه هم بدون اینکه توقیف از جانب نبی باشد باطل است. وقتی توقیفی نبودن باطل شد، نقیضش ثابت می‌شود یعنی اینکه رسم عثمانی از جانب صحابه نیست بلکه توقیفی است. و این همان مطلوب ماست» (قدوری، ۱۳۸۳: ۳۴۷).

۴-۱-۱-۲. سنت پیامبر (ص) در کتابت قرآن

الف. قرآن در محضر پیامبر نوشته شده و ایشان کاتبان وحی را به رسم حروف راهنمایی می‌کردند و از ایشان می‌خواستند که کلمات را به طور واضح بنویسند و از نوشتن حروف به صورت پیچیده نهی می‌کردند. بسیاری از صحابه تمام آیاتی که حفظ کرده بودند در صحیفه‌هایی می‌نوشتند و بر پیامبر عرضه می‌کردند تا اینکه ایشان به صحت آن اقرار می‌نمودند و غالباً خود پیامبر به طور مستقیم آیات را بر ایشان املا نمی‌کردند و با این کیفیت قرآن از اول تا آخر در زمان رسول (ص) در صحیفه‌ها و کاغذهای متفرقه نوشته شد و این صحیفه‌ها و کاغذها از هر چیز برای آنها گران‌بها تر و دوست‌داشتنی‌تر بود. کاتبان آنچه نبی به آنها املا می‌کردند را بدون کم و زیاد و تبدیل و تغییر می‌نوشتند. به خاطر اینکه املا از طرف پیامبر بود و کاتب را به نوشتن ارشاد می‌کرد و وحی آن از جانب جبرئیل بود. پیامبر قرآن را به هیئت و شکل معروف از جهت فتح ربانی و نه با تعلیم مردم می‌شناخت.

گفته شده که پیامبر اکرم (ص) به معاویه که کاتب وحی بود، فرمود: «أَلِقِ الدَّوَاةَ، وَ حَرِّفِ الْقَلَمَ، وَ أَنْصِبِ البَاءَ، وَ فَرِّقِ السَّيْنَ، وَ لَا تُغَوِّرِ المِيمَ، وَ حَسِّنِ اللّهَ، وَ مُدِّ الرَّحْمَنَ، وَ جَوِّدِ الرَّحِيمَ ...» (متقی هندی، بی تا، ۱۰: ۳۱۴): در ظرف دوات، ليقه بگذار و قلم را به صورت مایل بر صفحه قرار ده، حرف (باء) را در (بسم الله الرحمن الرحيم) بر کرسی بنشان و حرف (سین) را مشخص کن، و حرف (میم) را کور نکن. آن را به صورت تو خالی بنویس. الله را زیبا و نیکو بنویس. الرحمان را کشیده بنویس و الرحيم را نیز خوب و آشکار بنگار».

پیامبر اکرم (ص) از ایشان بر این گونه نوشتن اقرار می‌گرفت، و همان گونه که قرآن کریم با هیئت و جوهرش متواتر نقل شده است، رسم هم همینطور است؛ زیرا زمانی که پیامبر اکرم (ص) امر به رسم می‌کند و بر آن اقرار می‌گیرد و آن را تأیید می‌کند، رسم دلالت بر لفظ نازل شده از جانب خدا دارد. و خدا از نبی اش بر خطا اقرار نمی‌گیرد. پس اگر کاتبان وحی قرآن را آن گونه که برایشان میسر

بود می‌نوشتند، پیامبر این عمل ایشان را تقریر می‌کرد. و تقریر او مثل قول و فعلش حجت شرعی و سنت واجب الاتباع است (ر.ک؛ شنقیطی، بی‌تا: ۱۳).

۴-۱-۱-۳. اجماع

«معلوم است که قرآن در عهد ابوبکر جمع و نوشته شده‌است، و عثمان مصاحف را از روی مصحفی که در زمان ابوبکر جمع شده بود نسخه‌برداری کرد و به شهرهای مختلف فرستاد. و صحابه این عمل او را به رضایت و قبول دریافت کردند و احدی مخالفت نکرد و تعدادشان دوازده هزار نفر بود. این اجماعی است از طرف ایشان بر صحت این عمل و عدم جواز مخالفت با آن. و تابعین و مجتهدین و امامان قرائت هم از آنها پیروی کردند» (ر.ک؛ محمداسماعیل، بی‌تا: ۶۷).

۴-۱-۱-۴. اختلاف رسم یک کلمه در مواضع مختلف

گاهی یک کلمه مثل «بسم» در قرآن در برخی مواضع به یک رسم و در بعضی مواضع به رسم دیگر نوشته می‌شود. اگر رسم قیاسی بود، این اختلافات رخ نمی‌داد. پس آنها (کاتبان اولیه) بر طبق خط واحدی از جانب خودشان قرآن را نوشتند بلکه از ارشادات وحی تبعیت کردند و این اختلافات پدید آمد (ر.ک؛ قدوری: بی‌تا، ۳۶۰).

هر دو گروه قائلین به توقیف و قائلین به عدم توقیف به این دلیل تمسک کرده‌اند. قائلین به توقیفی بودن رسم می‌گویند: اگر رسم توقیفی نبود، باید کلمه در همه جا به یک صورت نوشته می‌شد.

قائلین به عدم توقیفی بودن رسم می‌گویند: این اختلاف رسم کلمه در مواضع مختلف بیانگر آن است که هر یک از کاتبان بر طبق عادت خودش و آن‌گونه که برایش آسان بود می‌نوشت و یک دلیل وقتی در مقام احتجاج مورد استناد طرفین واقع شود، استدلال به آن ساقط می‌شود و برای هیچ‌یک از طرفین حجت نیست اما باید بررسی کرد که اگر این اختلاف رسم کلمه در مواضع

مختلف از طرف کاتبان در متون دیگر غیر از قرآن هم واقع شده‌است، مشخص می‌شود که رسم مصحف توقیفی نیست.

۴-۲. تحلیل و نقد دلایل معتقدان به توقیفی بودن رسم المصحف

دلایلی که در بالا ذکر شد، توسط معتقدان به عدم توقیفی بودن رسم الخط قرآن، این‌گونه نقد می‌شود: «قواعد و قیاساتی که هم اکنون با آنها روبرو هستیم، همگی پس از عصر صحابه به وجود آمده‌اند و روشن است که صحابه نمی‌توانستند قواعدی را که قرن‌ها پس از آنان پیدا شده‌است در رسم الخط خود اعمال کنند، بلکه آنان قرآن را مطابق با رسم الخط زمان خود نوشتند. در زمان خلیفه سوم خط عربی به تازگی از خط نبطی استقلال یافته بود ولی بسیاری از ویژگی‌های خط نبطی - که خود از خطوط سامی بود- در آن موجود بود.

کاری که صحابه کردند، تنها پیروی از رسم الخط زمان خودشان بود و هیچ‌گونه سرّ یا حکمتی در آن نیست. در آن زمان رسم الخط عربی، فاقد نقطه و علامت بود و از آنجا که خط نیز مانند هر پدیده دیگری، قابل تغییر و تکامل است، لذا در همان قرون اولیه اسلامی خط عربی تحولات عمده‌ای یافت که نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری توسط کسانی چون ابوالاسود دؤنلی، یحیی بن یعمر و خلیل بن احمد فراهیدی، از آن جمله بود و این تفاوت رسم الخط در قرآن‌های بعدی کاملاً مشهود است. کم‌کم با پیدایش علوم ادبی و قواعد املائی و دستوری در زبان عربی، لزومی به استفاده از رسم الخط پیشین وجود ندارد و التزام به آن نیز واجب نیست» (جعفری، ۱۳۷۶، ۴: ۱۲۱).

در رابطه با استدلال به آیه حفظ برای اثبات توقیفی بودن رسم الخط مصحف، باید گفت که با تغییر ندادن رسم الخط و التزام به رسم الخط مصحف نوشته شده توسط صحابه، این حفظ وعده داده شده در آیه در واقع توسط مردم و کاتبان انجام می‌شود نه خدا. پس مباهاتی بر خدا در قضیه حفظ نیست که تغییر آن مستلزم کذب باشد. چنانچه در قرآن‌های نگاشته شده در قرون متاخر

حضور رسم قیاسی به خوبی مشهود است و در این صورت باید گفت که خبر خدای متعال کذب شده است.

در مورد استدلال به احادیث پیش گفته، مطلقاً ثابت نشده است که آنچه در پیشگاه پیامبر (ص) نوشته می شد مشتمل بر این اختلافات بوده باشد. و استدلال به چیزی فرع ثبوت آن است. ضمن اینکه پیامبر امّی چگونه طرز نگارش صحابه و شیوه آنها را در کتابت قرآن تأیید کند؟!

جریان مربوط به معاویه طبق گواهی بسیاری از دانشمندان هیچ ارتباطی با نگارش قرآن و قضیه رسم الخط ندارد؛ چرا که معاویه از کتاب وحی نبوده و در تاریخ نیز شاهد و گواه مطمئنی - مبنی بر آنکه معاویه حتی آیه ای را برای رسول خدا (ص) نوشته باشد - سراغ نداریم. ضمناً حدیث «القی الدواه» بر فرض صحیح بودنش، به طلب خوش نویسی تعلق دارد نه به رسم. همچنین اقرار کاتبان مورد اعتماد، فرع علم به مکتوب است و علم پیامبر به مکتوب غیر ثابت است.

اجماع علمای امت، توقیفی بودن قرآن را ثابت نمی کند؛ زیرا به عصمت صحابه قائل نیستیم و باید احتمال خطا و اشتباه در کار آنها نیز گنجانده شود، همان گونه که آنان خود در مواردی یکدیگر را به خطا و اشتباه متهم می کردند.

اتفاق فقها بر توقیفی بودن رسم الخط مصحف و التزام به آن، توقیفی بودن را ثابت نمی کند؛ چرا که در مقابل اینها گروه دیگری - که تعدادشان اندک نیست - پیروی از رسم الخط صحابه را لازم ندانستند و حتی کاتبان مصاحف عثمانی را متهم به خطا و اشتباه می کردند که در ادامه به دیدگاه ایشان اشاره شده است. دلایل معتقدان به توقیفی نبودن رسم المصحف ادله معتقدان به توقیفی بودن آن را به خوبی رد می کند.

۴-۲-۱. دیدگاه اجتهادی بودن رسم المصحف

عده دیگری از علما معتقدند که این رسم از جانب کاتبانی که در جمع عثمان قرآن را نوشته اند، اصطلاحی بوده است و خلیفه سوم با آنها موافقت کرده است و تغییر این رسم بر حسب قواعد رسم

جدید مانعی ندارد. آنها معتقدند که خداوند در مورد خط چیزی را واجب نکرده است و در نص کتاب و سنت بیان نشده که رسم و ضبط قرآن فقط بر وجه مخصوصی جایز است و حد محدودی دارد که تجاوز از آن ممکن نیست. بلکه سنت بر جواز رسم به هر شکل آسانی دلالت می‌کند. چون پیامبر (ص) امر به رسم می‌کردند و وجه خاصی را تعیین نمی‌کردند و هیچ‌کس را از کتابت قرآن نهی نمی‌فرمودند؛ لذا خطوط مصاحف مختلف شد (ر.ک؛ زرقانی، ۱۴۱۵، ۱: ۳۸۱).

ابن خلدون به این مطلب اشاره کرده است و می‌گوید: «خط عربی در آغاز اسلام هنوز به غایت استحکام و اتقان و زیبایی نرسیده بود؛ بلکه در سطح متوسط هم نبود. علت آن بادیه‌نشینی و توحش اعراب و دور بودن ایشان از صنایع بود. به دلیل همین عدم استحکام، بسیاری از خطوط نگاشته شده توسط صحابه مخالف شیوه و روش نوشتار اهل خط آن زمان بوده است. تابعین نیز از باب تبرک، از رسم الخط اصحاب رسول پیروی کردند. در آن زمان خط یکی از اولیاء یا علماء هم، چه درست یا نادرست، تبرکاً پیروی می‌شد تا برسد به خط اصحاب رسول (ص) که بهترین خلق بعد از او بودند! اعتقاد به تنزیه صحابه از هرگونه عیب و نقص، تابعین آنها را به توجیه رسم الخط آنها در موارد مخالفت با شیوه رسم متداول وادار کرد. توجیهاتی مثل اینکه در زیادی الف در «لا أذبحته» می‌گویند: این زیادی، هشدار بر انجام نشدن ذبح است. و اضافه شدن یاء در «بأیید»، اشاره به کمال قدرت ربانی دارد. تنها تلقی از اینگونه استدلال‌ها و توجیهات تحکم است» (ابن خلدون، ۱۴۱۸، ۱: ۵۲۶).

ابوبکر باقلانی که به عدم توقیفی بودن رسم المصحف باور دارد، برای دفاع از این نظریه می‌گوید: «در مورد کتابت قرآن خداوند بر مسلمانان چیزی را اجبار نکرده است و کاتبان وحی را ملزم به شیوه رسم خاصی ننموده که تنها بر طبق آن بنویسند و بر آنها واجب باشد؛ زیرا وجوب این مورد فقط از طریق سمع و توقیف دانسته می‌شود. لذا در نص قرآن و مفهوم آن بیان نشده است که رسم و ضبط کلمات قرآن تنها بر وجه مخصوصی جایز است و تجاوز از حدود آن جایز نیست. سنت دلالت می‌کند بر اینکه می‌توان قرآن را به شیوه آسان‌تر نوشت؛ زیرا پیامبر (ص) به نگارش قرآن امر می‌کردند، ولی برای شیوه رسم آن وجه خاصی را تعیین نمی‌کردند. بنابراین خطوط

مصاحف مختلف شد و هر گروهی با روشی که بین خود آنان مصطلح و متداول بوده است، قرآن را نوشته اند؛ زیرا می دانسته اند که رسم الخط هرگونه که باشد اصطلاحی بیش نیست. از این رو می توان خط آن را با حروف کوفی و خط اولیه نوشت و می توان آن را به شکلی دیگر حتی با خط یا روش قدیم و یا با خط جدید و یا با روشی میانه کتابت کرد. این برای آن است که هیچ طریقه مخصوصی برای کتابت قرآن معین نشده است.

آنچه معین شده قرائت صحیح است و وسیله قرائت به هر نحوی می تواند باشد زیرا خط به منزله علامت، نشانه و رسمی است که معرف کلمه می باشد و هر علامت و رسمی که بتواند این منظور را ادا کند، به کار بردن آن بلا مانع است» (ر.ک؛ باقلانی، ۱۴۲۲: ۱، ۵۴۷ - ۵۴۸).

«صبحی صالح» نیز به پیروی از ابن خلدون و باقلانی، در این زمینه بیان می گوید: «تردیدی نیست که مسأله توقیفی بودن رسم المصحف، غلو و مبالغه ای درباره تقدیس رسم الخط مصحف عثمانی بوده و تکلفی است که مافوق آن تصور نمی شود، زیرا از منظر به دور است که رسم الخط را امری توقیفی و با دستور پیامبر (ص) بدانیم و یا تصور کنیم که مشتمل بر اسراری است. او در تأیید گفته های باقلانی می گوید: «عقیده او در این زمینه قابل قبول است. او دلایل محکم و نظری دوراندیش دارد. عواطف و احساسات خود را درباره بزرگداشت پیشینیان، بر دلیل و برهان مقدم نשמرد و میان آن دو خلط نکرده است. آنان که رسم الخط قرآن را توقیفی و همیشگی می دانند، گرفتار احساسات خود هستند و عواطف شخصی خود را در این امر دخالت داده اند. درحالی که عواطف و ذوق های شخصی نسبی است و نباید آنها را در امور دینی دخالت داد، چرا که حقایق شرعی از ذوق و عاطفه استنباط نمی شود» (صبحی صالح، ۲۰۰۰: ۲۷۹).

«غانم قدوری» با آوردن عقاید مختلف در رابطه با لزوم رعایت رسم المصحف در کتابت قرآن، در پایان چنین نتیجه گیری می کند: که قول به توقیفی بودن رسم در زمان متاخری به وجود آمده است و چیزی که علمای پیشین درباره وجوب التزام به رسم المصحف گفته اند، منظورشان توقیفی بودن نبوده همان گونه که متاخرین فهمیده اند» (قدوری، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

۴-۲-۲. دلایل معتقدان به توقیفی نبودن رسم المصحف

۴-۲-۲-۱. یکی از معجزات نبی (ص) امی بودن ایشان است به طوری که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند. در قرآن نیز به این مطلب اشاره شده است (عنکبوت/ ۴۸) پس چگونه ایشان به زید بن ثابت بر حسب قواعد کتابت از قبیل زیادت و نقصان و وصل و فصل املاء می‌کردند؟! مثلاً در یکجا «قرت عین لی» را با تاء بنویس و در جای دیگر با هاء به صورت «قره اعین» بنویس.

۴-۲-۲-۲. در روایات آمده است که زمانی که زید بن ثابت و همراهانش در کلمه «التابوت» اختلاف پیدا کردند که آیا با تاء بنویسند یا با هاء، مطلب را به نزد عثمان بردند و او گفت که با تاء بنویسند. اگر رسم توقیفی و با املائی نبی بود، باید زید به آنها می‌گفت: پیامبر (ص) دستور داده که با تاء بنویسم و عثمان باید به زید پاسخ می‌داد: به همان کیفیت که رسول الله (ص) به تو املاء فرموده بنویس.

۴-۲-۲-۳. اگر رسم توقیفی باشد، نباید شیوه نگارش کلمات قرآن در مصاحفی که عثمان به شهرهای دیگر فرستاد، مختلف باشد.

۴-۲-۲-۴. اگر رسم توقیفی بود، به «رسم توقیفی» یا «رسم نبوی» توصیف می‌شد نه به «رسم عثمانی» که به عثمان بن عفان منسوب است.

۴-۳. طایفه سوم و ادله ایشان

قائلین به روش سوم می‌گویند که باید برای قرآن کریم دو خط در نظر گرفته شود: یکی برای خواص بر طبق رسم المصحف عثمانی و دیگری برای عوام بر طبق قواعد رسم جدید. مهم‌ترین چیزی که قائلین این روش به آن تمسک می‌کنند حمایت کردن از قرآن از تحریف جاهلان و خطای ایشان در تلاوت است زیرا کتابت به رسم عثمانی مردم را در مشقت و حرج می‌اندازد و ایشان را وادار به تغییر در کتاب خدا می‌کند. و در این کار مصلحت عامه‌ای وجود دارد که موافق قواعد و مقاصد شرع است.

«زرکشی» از «شیخ عز الدین بن عبدالسلام» نقل می‌کند: «کتابت مصحف در حال کنونی مطابق با رسم اولیه که پیشوایان فن گفته‌اند، جایز نیست و این بدان جهت است که قرآن از سوی جاهلان دچار تغییر نشود. ولیکن اجرای این امر با این اطلاق جایز نیست؛ زیرا به متروک شدن علم منجر می‌شود و چیزی که پیشینیان پایه‌های آن را محکم کرده‌اند، نباید به خاطر مراعات جاهلان ترک شود و زمین از کسی که قائم به حجت الهی باشد خالی نیست» (زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۳۷۹).

۵. نمونه‌هایی از تفاوت‌های رسم‌المصحف عثمانی با رسم‌الخط قیاسی^۱

رسم مصحف مانند رسم املائی است که ما با آن می‌نگاریم. فقط پنج فرق دارند: حذف، زیاده، بدل (تبدیل یک حرف به حرف دیگر)، قطع و وصل. در اینجا فقط به ذکر نمونه‌هایی از هر مورد می‌پردازیم و بررسی تفصیلی آن را به کتاب‌های علوم قرآنی می‌سپاریم:

۵-۱. حذف

الف) مثال الف حذف شده

الرسم الاملائي	الرسم العثماني
مالك	﴿مَلِك﴾
الكتاب	﴿اَلْكِتَاب﴾
اتاني	﴿فَمَاءَاتِنِي﴾
العالمين	﴿اَلْعَالَمِيْنَ﴾

^۱ در تنظیم مطالب این قسمت از کتاب‌های الاتقان، المقنع فی معرفه مرسوم مصاحف اهل الامصار، التمهيد، المتحف فی رسم المصحف، الوسيله الی کشف العقيله، الجواهرالبراعيه و ... استفاده شده‌است.

ب) مثال واو حذف شدہ

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
داوود	﴿دَاوُدُ﴾
ما ووري	﴿مَآوِرِي﴾

ج) مثال یاء حذف شدہ

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
لا يستحيي	﴿لَا يَسْتَحِي﴾
إيلافهم	﴿إِلَافِهِمْ﴾
النجيين	﴿النَّجِيِّينَ﴾
يحيي	﴿يُحْيِي﴾

د) مثال نون حذف شدہ

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
نجي	﴿نَجِي﴾

ه) مثال لام حذف شدہ

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
الليل	﴿الَّيْلِ﴾

۵-۲. زیاده

الف) مثال الف زیاده

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
لشِيء	﴿لِشَآءٍ﴾
وَجِيء	﴿وَجِآءٍ﴾

ب) مثال واو زیاده

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
سَأْرِيكُمْ	﴿سَأُورِيكُمْ﴾

ج) مثال یاء زیاده

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
يَأْنِيذُ	﴿يَأْنِيذِرُ﴾

۵-۳. بدل

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
الصلاة	﴿الصَّلَاةُ﴾
الزكاة	﴿الزَّكَاةُ﴾
كمشكاة	﴿كَيْشَكْرَةٌ﴾
يَأْسَفِي	﴿يَتَأْسَفُنَ﴾

الربا	﴿الرِبَا﴾
ويبسط	﴿وَيَبْسُطُ﴾
بسطة	﴿بَسْطَةً﴾
تفتأ	﴿تَفْتَأُ﴾
العلماء	﴿الْعُلَمَاءُ﴾
ويدرأ	﴿وَيَدْرَأُ﴾
تلقاء	﴿تِلْقَاءِ﴾
وراء	﴿وَرَاءِ﴾
أناء	﴿أَنَاءِ﴾
الإنسان	﴿الْإِنْسَانِ﴾
يجادل	﴿يُجَادِلُ﴾
يتوقفكم	﴿يَتَوَقَّفُكُمْ﴾

مثال‌هایی که به صورت تاء مبسوطه نوشته می‌شود:

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
ورحمة ربك	﴿رَحِمَتْ رَبِّكَ﴾
نعمة الله	﴿نِعِمَّتَ اللَّهُ﴾
امرأة نوح	﴿أَمْرَاتِ نُوحٍ﴾

۴-۵. قطع و وصل

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
يا ابن أم	﴿يَا ابْنَ أُمِّ﴾
لكي لا	﴿لِكَيْ لَا﴾
بنس ما	﴿بِنَسْمَا﴾
عن ما	﴿عَنْمَا﴾
وي كأنه	﴿وَيَكَانَ﴾
مالهذا	﴿مَالِ هَذَا﴾
حيثما	﴿وَيَحِثُّ مَا﴾
إنما	﴿إِنَّمَا﴾
إلياسين	﴿إِلَىٰ يَأْسِينَ﴾

۵-۵. همزه

الرسم الإملائي	الرسم العثماني
القرآن	﴿الْقُرْآنُ﴾
آياتي	﴿آيَاتِي﴾
لتنوء	﴿لَتَنْوَأُ﴾
يبدأ	﴿يَبْدَأُ﴾

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این پژوهش مورد بحث قرار گرفت نتایج زیر حاصل شد:

الف) هیچ‌گونه حجت شرعی و دلیل عقلانی بر توقیفی بودن رسم مصحف وجود ندارد.

ب) شواهد تاریخی مؤید عدم التزام مسلمین در دوره‌های مختلف از رسم‌الخط صحابه می‌باشد.

ج) از آنجا که رسم الخط عثمانی تناسبی با مقتضیات عصر حاضر نداشته و مشکلات عمده و فراوانی را در جهت یادگیری قرآن ایجاد می‌کند، پیروی از رسم الخط قیاسی مطلوب و امری معقول است.

د) علی‌رغم ادعای مطرح شده نسبت به وحدت رویه بین فرق اسلامی در پیروی از مصحف عثمانی، به طرز چشم‌گیری مصحف عثمان طه و مصحف مصر از آن فاصله گرفته‌اند؛ کما آنکه مصحف اصلی، هیچ‌گونه علامت و نقطه و اعراب نداشته و این نسخه‌های مذکور به طور کامل دارای علامت‌های تجویدی و نقطه‌گذاری هستند و حزب و جزء و... در آنها مشخص شده‌است. ه) با توجه به اصالت خواندنی بودن قرآن و فرع بودن مسأله کتابت، و لزوم سهولت برقراری ارتباط با آن برای ذکر و خوانده شدن: (وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ) به گونه‌ای که همه مردم بتوانند از ساحت قرآن بهره بگیرند لذا کتابت قرآن متناسب با رسم الخط مرسوم و متداول بین جوامع در هر دوره‌ای امر ضروری است.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۶). ترجمه الهی قمشه‌ای. ج ۱. تهران: جمهوری.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد بن محمد. (۱۴۰۸ ق). تاریخ ابن خلدون. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. ۶ جلد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن مالک الطائنی الجیانی، محمد بن عبد الله. (بی‌تا). شرح شافیة. مکه. جامعه أم القرى مرکز البحث العلمی و إحياء التراث الإسلامی کلیة الشریعة و الدراسات الإسلامیة مکه المکرمة.
۵. ابن منظور. (بی‌تا). لسان العرب. قاهره: دارالمعارف.

٦. أزهری الهروی، محمد بن أحمد. (٢٠٠١ م). *تهذيب اللغة*. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٧. باقلانی، ابو بكر محمد بن الطيب. (١٤٢٢ ق). *الانتصار للقرآن*. عمان / بيروت: دارالفتح / دار ابن حزم.
٨. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى. (١٤٢٣ ق). *شعب الايمان*. رياض: مكتبة الرشد للنشر و التوزيع.
٩. جعفری، يعقوب. (١٣٧٦). *تفسير كوثر*. قم: موسسه انتشارات هجرت.
١٠. حماده، حسين صالح. (١٤٢٩ ق). *مباحث في علوم القرآن*. بيروت: دار المحجة البيضاء.
١١. داني، ابو عمرو عثمان بن سعيد. (بي تا). *المقنع في معرفه مرسوم مصاحف اهل الامصار*. قاهره: مكتبة الكليات الازهرية.
١٢. زرقاني، محمد عبد العظيم. (١٤١٥ ق). *مناهل العرفان*. بيروت: دار الكتاب العربي.
١٣. زركشي، محمد بن عبد الله. (١٣٧٦ ق). *البرهان*. بيروت: دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي و شركائه.
١٤. سخاوی، علی بن محمد. (١٤٢٤ ق). *الوسيله الى كشف العقيله*. عربستان: مكتبة الرشد.
١٥. سيوطی، عبدالرحمن بن ابى بكر. (١٤٢١ ق). *الإتقان في علوم القرآن*. بيروت: دار الكتاب العربي.
١٦. شمس الدين مقدسي راميني، محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج. (بي تا). *الأداب الشرعية و المنح المرعية*. رياض: انتشارات عالم الكتب.

۱۷. شنقیطی، محمد حبیب الله بن عبدالله. (بی تا). *ایقاظ الاعلام لوجوب اتباع رسم المصحف الامام عثمان بن عفان*. سوریه: مکتبه المعرفه.
۱۸. صبحی الصالح. (۲۰۰۰م). *مباحث فی علوم القرآن*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۹. عبدالرحمن عک، خالد. (۱۴۲۸ ق). *أصول التفسیر و قواعده*. بیروت: دار النفاثین.
۲۰. عوض صالح، عبدالکریم. (۱۴۲۷ق). *المتحف فی رسم المصحف*. طنطا: دارالصحابه للتراث.
۲۱. عوفی، محمد بن احمد. (۱۴۲۲ق). *الجواهر الیراعیه فی رسم مصاحف العثمانيه*. مکه مکرمه: وزارت تعلیم عالی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *العین*. قم: انتشارات هجرت.
۲۳. فرماوی، عبدالحی حسین. (۱۴۲۵ق). *رسم المصحف ونقطه*. اردن: دارالنور المکتبات.
۲۴. قدوری، حمد غانم. (۱۳۸۳ش). *رسم الخط مصحف*. ترجمه یعقوب جعفری. تهران: انتشارات اسوه.
۲۵. مارغنی تونسلی مالکی، أبو إسحاق إبراهیم بن أحمد بن سلیمان. (بی تا). *دلیل الحیران علی مورد الظمان*. القاهره: دارالحدیث.
۲۶. محمداسماعیل، شعبان. (بی تا). *رسم المصحف و ضبطه بین التوقیف و الاصطلاحات الحدیثه*. ریاض: دارالسلام.
۲۷. معرفت، محمدباقر. (۱۳۹۳ش). *آداب و احکام تلاوت قرآن*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۸. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۵ق). *التمهید*. قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۹. متقی هندی. (بی تا). *کنز العمال*. بی جا: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.